

نامہ نام

منظومہ ی خسرو و شیرین
منظومہ ی لیلی و مجنون
منظومہ ی وامق و عذرا
منظومہ ی درج گھر

سید محمد صادق نامی اصفہانی

مقدمہ، فہرست و تصحیح

راویہ کرد افشاری - وجیہہ کرم پسندی - نسیرین رستمی تهرانی



نامه‌ی نامی



سید محمد صادق موسوی نامی اصفهانی

مقدمه، مقابله، تصحیح، شرح و تعلیقات

راویہ کرد افشاری، وجیہہ کرم پسندی، نسرین رستمی تهرانی

با مقدمه‌ی

دکتر حسن ذوالفقاری



۱۳۹۳

سرشناسه :	کردافشاری، راویه، ۱۳۴۴-
عنوان و نام پدیدآور :	نامه نامی: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، وامق و عذرا، درج گهر/ محمدصادق موسوی نامی اصفهانی؛ تصحیح، مقابله و تعلیقات راویه کرد افشاری، وجیهه کرم پسندی، نسرین رستمی تهرانی.
مشخصات نشر :	تهران: سخنوران، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری :	۷۳۳ ص: جدول
شابک :	۱۹۰۰۰۰ ریال ۶-۴۰-۶۱۵۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
موضوع :	نامی اصفهانی، محمدصادق، - ۱۲۰۴ ق -- نقد و تفسیر
موضوع :	شعر فارسی -- قرن ۱۲ ق. -- تاریخ و نقد
شناسه افزوده :	کرم پسندی، وجیهه، ۱۳۴۵ - رستمی تهرانی، نسرین، ۱۳۴۳ -
شناسه افزوده :	نامی اصفهانی، محمد صادق، - ۱۲۰۴ ق.
رده بندی کنگره :	۱۳۹۱۲ ک ۷۴۵۶ PIR
رده بندی دیوبی :	۵/۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی :	۱۶۶۴۷۲۲



کتابخانه ملی ایران



کارگر شمالی، بعد از ادوارد براون، شماره ۱۴۰۷، طبقه اول

تلفن: ۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳ - ۶۶۴۷۶۳۰۶

Sokhanvaran_pub@yahoo.com

بهره‌بردار

نامه‌ی نامی

موسوی نامی اصفهانی، سید محمدصادق

مقدمه، مقابله، تصحیح، شرح و تعلیقات

کردافشاری، راویه - کرم پسندی، وجیهه - رستمی تهرانی، نسرین

چاپ اول: ۱۳۹۳

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: شریف

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳

قیمت: ۱۹۰۰۰۰ ریال

تقدیم

به همه‌ی استادان بزرگوار پهنه‌ی ادب فارسی به‌ویژه
آنان که با چشمه‌سار وجودشان، رود کوچک
اندیشه‌ی ما را وسعت بخشیدند و ما را وامدار روح
جاری و ساری زلالشان نمودند.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار

۱	مقدمه‌ی دکتر حسن ذوالفقاری
۳	معرفی شاعر (نگارگر عشق و شاگردی قدردان)
۴	دیدگاه‌های دیگران درباره‌ی نامی
۶	وقایع زندگی و مسافرت‌های شاعر
۶	آثار نامی
۷	آثار منظوم

خسرو و شیرین / ۹

۱۱	درباره‌ی منظومه‌ی خسرو و شیرین نامی اصفهانی
۱۱	ویژگی‌های سبکی خسرو و شیرین نامی
۱۲	۱. ویژگی‌های زبانی
۱۵	۲. ویژگی‌های ادبی و زیبایی‌شناسی
۱۵	۳. ویژگی‌های فکری و محتوایی
۲۴	ویژگی‌های این نسخه
۲۴	روش تصحیح
۲۴	معرفی نسخه
۲۵	ویژگی‌های نسخه‌ی اساس «اولین نسخه در جدول»
۲۶	جاافتادگی‌ها
۲۶	فصل و وصل‌ها و افتادن سرکش «گ»
۲۷	زیادی یا کمی نقطه
۲۷	اصلاح در حاشیه
۲۸	گزارش داستان خسرو و شیرین نامی اصفهانی
۳۷	منظومه‌ی خسرو و شیرین نامی اصفهانی
۳۷	توحید اول
۳۸	توحید دوم به طریق خطاب
۴۰	مناجات به درگاه حق سبحانه تعالی جلّ جلاله
۴۱	مناجات دیگر
۴۲	نعت خواجه‌ی کاینات علیه افضل التحیات
۴۳	در نعت جناب علی (ع) گوید
۴۴	داستان معراج حضرت خیرالبشر
۴۷	سبب نظم کتاب

۴۹	خطاب به آذر
۵۰	آغاز کتاب خسرو پرویز و شیرین شکرریز
۵۳	تولد خسرو و شنیدن شیرین و عاشق شدن آن و السلام
۵۹	بی آرام شدن خسرو از عشق شیرین و منع کردن پدر، خسرو را
۶۰	تمثیل
۶۲	رفتن شاپور به ارمن و تمثال خسرو را به شیرین نمودن
۶۳	تمثیل
۶۴	رجوع به حکایت
۶۸	تمثیل
۶۹	رجوع به حکایت
۶۹	رجوع به تمثیل
۶۹	رجوع به حکایت
۷۱	رفتن شاپور به باغ و تمثال خسرو بار دیگر به درخت بستن
۷۶	جستجو کردن کنیزان شیرین به جهت شاپور و آمدن نزد شیرین
۸۰	تمثال آوردن پرستاران
۸۴	گفتن شیرین مدّعی خود را به شاپور
۹۱	وفات نمودن هرمز پدر خسرو پرویز و به تخت نشستن خسرو
۹۳	طغیان بهرام چوبینه و لشکر کشیدن و مجادله با پرویز و شکست خوردن پرویز
۹۶	رسیدن خسرو به ارمن و ملاقات کردن با شیرین و...
۱۰۵	به عشرت نشستن خسرو و شیرین اول بار و ناز نیاز آن...
۱۰۹	محفل آرایی خسرو و شیرین بار دوم و طلب بوس و...
۱۱۵	طلب کردن خسرو، شیرین را به محفل و مکالمات...
۱۱۹	خشم آوردن شیرین بر خسرو و مکدر شدن خسرو و عزیمت کردن به کشور روم
۱۲۲	رفتن خسرو به روم و عقد بستن قیصر مریم دختر خود را به خسرو و...
۱۲۴	استقبال کردن قیصر خسرو را
۱۲۵	آگاهی بهرام از آمدن خسرو و لشکر جمع آوردن و...
۱۲۵	هزیمت نمودن او و نصرت یافتن خسرو
۱۲۸	بی طاقت شدن شیرین در فراق پرویز و...
۱۳۷	دیدن فرهاد تمثال شیرین را در چین و عشق آوردن...
۱۴۱	شناختن شاپور فرهاد را و آگاه کردن خسرو را از حال او...
۱۴۴	آغاز داستان رفتن خسرو به پای قصر شیرین
۱۵۱	شکایت خسرو به شاپور از بی مهری شیرین و...
۱۵۵	رفتن خسرو به اصفهان به طلب شکر و...
۱۵۹	رفتن شیرین به باغ و مجلس آرایی کردن...
۱۶۳	تمثیل

رجوع به حکایت	۱۶۵
رسیدن شیرین به بیستون و دیدن فرهاد را	۱۶۸
تمثیل	۱۷۳
تمثیل	۱۷۴
آگاه شدن خسرو از رفتن شیرین به تماشای...	۱۷۴
رسیدن قاصد خسرو به قصر شیرین و...	۱۷۷
نوشتن جواب نامه‌ی خسرو را شیرین از سر درد	۱۷۹
فرستادن خسرو پیر زال را به کوه بیستون و تمهید کردن پیر زال از مرگ فرهاد	۱۸۴
اطلاع پرویز از عشق فرهاد و فرستادن کهن زال را به کوه بیستون و خبر وفات شیرین را...	۱۸۶
تعزیت نامه نوشتن خسرو به شیرین از مرگ فرهاد	۱۹۱
فرستادن دایه را شیرین به جهت کشتن مریم به رغم خسرو	۱۹۳
نامه نوشتن شیرین به خسرو به جهت تعزیت مرگ مریم	۱۹۷
مراجعت نمودن خسرو از اصفهان و آمدن نزد شیرین	۲۰۰
پاسخ دادن شیرین خسرو را	۲۰۴
جواب گفتن شیرین را خسرو	۲۰۸
جواب دادن شیرین خسرو را	۲۱۰
شکایت کردن خسرو ز شیرین	۲۱۱
برآشتن شیرین از خسرو	۲۱۳
اعراض نمودن شاه پرویز از شیرین و قسم یاد کردن و ترک یاری	۲۱۴
پشیمان شدن شیرین از کار خود و آمدن نزد خسرو	۲۱۵
بیدار کردن شاپور خسرو را در خواب و مجلس آرایی کردن	۲۲۰
ساز زدن بارید از زبان خسرو	۲۲۱
سرود نکیس از زبان شیرین	۲۲۲
سرود گفتن بارید از زبان خسرو	۲۲۳
آگاهی خسرو از حضور شیرین	۲۲۴
اساس عروسی و به عقد خود درآوردن خسرو شیرین را	۲۲۷
خاتمه‌ی کار خسرو و کشته شدن او به دست فرزند	۲۳۰
در خاتمه‌ی کتاب مستطاب	۲۳۴
مناجات	۲۳۵
غزل «ل»	۲۳۷
تعلیقات	۲۳۹
- شرح لغات، اصطلاحات و دشواری‌ها	۲۳۹
- تلمیحات: آیات	۲۵۵
- روایات و احادیث	۲۵۵
- اعلام	۲۵۶

۲۵۷		کتاب‌ها
۲۵۷		جای‌ها
۲۵۸		نمایه‌ی واژگان، ترکیبات و اصطلاحات
۲۶۲		فهرست کنایات
۲۶۳		فهرست ضرب‌المثل‌ها

لیلی و مجنون ۲۶۵

۲۶۷		مقدمه
۲۷۶		خلاصه‌ی داستان لیلی و مجنون
۲۸۱		منظومه‌ی لیلی و مجنون نامی
۲۸۱		توحید اول
۲۸۲		توحید دوم به طریق خطاب
۲۸۴		مناجات
۲۸۶		در نعت حضرت خیرالبشر
۲۸۷		در صفت معراج
۲۹۰		آغاز داستان لیلی و مجنون
۲۹۴		بروز عشق لیلی بر مادر
۲۹۶		مفارقت لیلی از قیس و زاری کردن لیلی
۲۹۸		آگاهی قیس از بازگرفتن لیلی را از مکتب
۳۰۰		رفتن قیس به کوی لیلی به امید وصال و منع نمودن کسان لیلی او را
۳۰۱		رفتن قیس به رسم گدایان به کوی جانان
۳۰۴		بی‌قرار شدن قیس از فراق لیلی و روی به دشت و کوه آوردن
۳۰۸		رفتن پدر به جستجوی فرزند و او را در کوه و دشت یافتن و پند دادن
۳۱۰		جواب مجنون پدر را
۳۱۲		رفتن پدر مجنون به خواستگاری لیلی و نومید بازگشتن
۳۱۵		بردن پدر قیس را به جهت دعای رستگاری به نزد پیر عابد
۳۱۸		بردن پدر مجنون را به جانب حرم کعبه و طلب رهایی از بند عشق
۳۲۱		نجات دادن مجنون آهو را از دام صیاد و با آن مکالمه نمودن
۳۲۳		در ساحت باغ لیلی و مجنون یکدیگر را دیدن و از شاخ گل مراد چیدن
۳۲۸		خم گشتن قامت شکیبای قیس و در قله‌ی کوه به‌زیر کوه اندوه و خطاب به او در مقام
۳۳۱		شوهر دادن پدر لیلی، لیلی را به ابن سلام و در لب جو تشنه‌کامی داماد ناکام
۳۳۵		نوشتن مجنون نامه‌ی گله‌آمیز در مبارک‌باد عروسی لیلی
۳۳۶		نامه نوشتن مجنون به‌سوی لیلی و گله نمودن او
۳۳۸		نوشتن لیلی جواب نامه‌ی مجنون را
۳۳۹		ملاقات قیس سگ کوی او و زاری عاشق وفادار

۳۴۱	شنیدن لیلی قصیده‌ی در ستم مجنون و بی‌قراری او.....
۳۴۳	آگاه شدن مجنون از وفات پدر و به‌سوی تربت او رفتن و زاری کردن.....
۳۴۵	نوشتن لیلی نامه به مجنون و در باب مردن پدر او و دلداری کردن.....
۳۴۶	تعزیت‌نامه نوشتن لیلی به‌سوی مجنون.....
۳۴۸	نگاشتن مجنون جواب نامه لیلی را.....
۳۴۹	برگ‌ریزان گلبن عمر لیلی از خزان مرگ.....
۳۵۰	وصیت نمودن لیلی با مادر.....
۳۵۴	آگاهی مجنون از وفات لیلی و وداع زندگانی و بدرود عمر و جوانی نمودن.....
۳۵۸	(در خاتمه کتاب مستطاب).....
۳۶۱	تعلیقات.....
۳۶۱	شرح لغات، اصطلاحات و...، نمایه‌ها (واژگان، کسان، جای‌ها).....
۴۱۷	نمایه‌ی واژگان، ترکیبات، اصطلاحات.....

❦ ۴۳۱ و اَمَق و عذرا ❦

۴۳۳	مقدمه.....
۴۳۳	شعر غنایی و داستان‌های عاشقانه.....
۴۳۷	گزارش داستان به روایت عنصری.....
۴۴۲	ویژگی‌های منظومه‌ی و اَمَق و عذرا نامی.....
۴۴۲	سبک شعری.....
۴۴۳	۱. ویژگی‌های زبانی.....
۴۴۶	۲. ویژگی‌های ادبی.....
۴۴۸	۳. ویژگی‌های فکری و محتوایی.....
۴۴۹	توجه به دعا و تأثیر آن.....
۴۴۹	اشاره به باورهای عامیانه.....
۴۵۱	اشکالات موجود در نسخه‌ها.....
۴۵۷	منظومه‌ی و اَمَق و عذرا نامی اصفهانی.....
۴۵۷	توحید.....
۴۶۰	در مناجات قاضی الحاجات.....
۴۶۱	در نعت حضرت سید کاینات.....
۴۶۲	در سبب نظم کتاب و در آغاز داستان گوید.....
۴۶۴	آغاز داستان.....
۴۶۵	رفتن و اَمَق به شکار.....
۴۷۰	دلبری و اَمَق با عذرا و گستاخی او با معشوق بی‌پروا و بعضی مقالات.....
۴۷۲	رفتن و اَمَق از پیش عذرا و نادام شدن عذرا از رفتن.....
۴۷۴	تأسف خوردن عذرا از رفتن و اَمَق.....

۴۷۷	تأسف خوردن وامق از جدایی عذرا و ندامت
۴۸۰	آمدن وامق دیگر بار به کوی معشوق و صلح کردن با عذرا
۴۸۴	لشکر کشیدن پادشاه مصر و شام بر سر یمن و گرفتاری وامق در دست دشمنان
۴۸۸	گرفتار شدن وامق به دست پادشاه
۴۹۱	رفتن سلما دختر پادشاه مصر و شام و دیدن وامق و عاشق گردیدن
۴۹۷	آمدن سلمی به باغ به سوی وامق و در مخفی نمودن درد عشق
۵۰۳	آمدن دایه‌ی سلمی به پیش وامق و پیغام آوردن از جانب او
۵۰۷	خبر آوردن دایه‌ی سلمی از نزد وامق و بی‌قرار شدن
۵۱۰	رفتن مادر سلمی در نزد پادشاه و رای زدن او در کار خیر
۵۱۴	در ذکر عروسی وامق با سلمی
۵۱۷	دادن پادشاه مصری دختر خود به وامق و خلاصی از بند
۵۲۰	آگاه شدن عذرا از عیش وامق و نامه نوشتن به سوی او
۵۲۰	شنیدن عذرا وصلت با سلمی و نامه نوشتن به سوی وامق
۵۲۴	جواب نامه فرستادن عذرا و عذر خواستن
۵۲۶	نامه نوشتن پادشاه یمن به جانب پادشاه شام و ملاقات خواستن
۵۳۱	مرخص نمودن پادشاه مصر وامق و سلمی را به جانب پدرش
۵۳۷	خلاصی وامق از دریا و به کنار آمدن
۵۴۴	مجلس آراستن پریزادان با وامق بار دوم و خواب دیدن وامق عذرا را
۵۴۷	خواب دیدن وامق عذرا را و بی‌قرار شدن
۵۴۹	زاری نمودن وامق از فراق عذرا و بی‌قراری او
۵۵۱	در تعریف حسن و جمال دختر پادشاه یمن
۵۵۳	نامه نوشتن پادشاه عجم به سوی پادشاه یمن و خواستگاری دختر او
۵۵۵	جواب نامه نوشتن پادشاه عجم را و عذر خواستن
۵۵۸	نامه نوشتن پادشاه یمن به سوی پادشاه عجم
۵۵۹	رسیدن نامه‌ی شاه یمن سوی پادشاه و لشکر کشیدن
۵۶۲	فرار نمودن عذرا از ملک یمن به جانب کوه
۵۶۴	آمدن وامق به ولایت یمن و شنیدن واقعه‌ی پدر
۵۷۰	رسیدن وامق و عذرا به یکدیگر
۵۷۸	در خاتمه‌ی کتاب گوید
۵۷۷	تعلیقات
۵۷۷	شرح لغات اصطلاحات و ... نمایه‌ها
۵۸۸	توضیحات واژه‌ها و ترکیبات
۶۰۴	تلمیحات
۶۰۷	نمایه‌ها
۶۰۷	نمایه‌ی واژگان، ترکیبات و اصطلاحات

نمایه‌ی اعلام: کسان، جای‌ها، پرندگان، ستارگان و گل‌ها. ۶۱۷

درج گهر ۶۱۹

۶۲۱	مقدمه
۶۲۵	مشخصات نسخ درج گهر
۶۲۷	منظومه‌ی درج گهر نامی اصفهانی
۶۲۷	توحید اول
۶۲۸	توحید دوم به طریق خطاب
۶۳۰	مناجات بارگاه کافی المهمات
۶۳۲	در نعت حضرت خیرالبشر و منقبت جناب حیدر صفدر علیها صلوات الله العزیز الاکبر
۶۳۵	در صفت معراج حضرت رسول مختار علیه السلام و الله الجبار
۶۳۵	در سبب نظم کتاب مستطاب
۶۳۶	آغاز کتاب
۶۴۰	عقد اول در کتاب درج گهر در تعریف اهل حُسن و جفای ایشان با عشاق پریشان و از
۶۴۴	عقد دوم در سؤال از کیفیت صفت صانع در خلق بدایع
۶۴۹	عقد سیم در شکایت از دوران و حکایت از ستم آسمان و دعای بد در حق آن
۶۵۰	عقد چهارم در خطاب نفس بشری و نصیحت ترک گم‌گشتگی و دربه‌دری
۶۵۲	حکایت
۶۵۳	عقد پنجم در تغییر خودپسند فضول تشنیع آن طالب مجهول
۶۵۴	حکایت
۶۵۵	حکایت
۶۵۶	عقد ششم در مذمت حرص و آز و فضیلت قناعت و ترک امل‌های دراز
۶۵۸	حکایت
۶۵۹	عقد هفتم در وصف درویشان صاحب اخلاق و مذمت بعضی از این قوم
۶۶۱	حکایت
۶۶۲	عقد هشتم در مذمت می و نصیحت رندان می‌پرست و فضیحت می‌پرستان
۶۶۳	حکایت
۶۶۵	عقد نهم در شرافت بنی آدم و نصیحت در خصوص عبادت
۶۶۷	حکایت
۶۶۷	عقد دهم در نصیحت ترک عجب و غرور و مذمت کبر و منی
۶۶۹	حکایت
۶۶۹	عقد یازدهم در باب ترک خدمت دوانان از طمع نان
۶۷۰	حکایت
۶۷۱	عقد دوازدهم در خصوص دلبستگی به دنیا
۶۷۳	حکایت

۶۷۴	ساقی نامه مذیل به خاتمه‌ی کتاب
۶۷۷	تعلیقات
۶۷۷	شرح لغات، اصطلاحات و ...، نمایه‌ها (اعلام کسان و جای‌ها)
۷۰۱	نمایه‌ها
۷۰۱	نمایه‌ی واژگان، ترکیبات و اصطلاحات
۷۱۳	نمایه‌ی اعلام (کسان و جای‌ها)
۷۱۵	منابع و مآخذ

پیش‌گفتار

در دنیای پر رمز و راز امروزی، با بارش اطلاعات گونه‌گون و با توجه به نفوذ فرهنگ نوپای غرب در بین ملل، ملتی که بخواهد حیات فرهنگی خود را حفظ نماید، باید میراث گران‌بهای اندیشه و تفکر پیشینیان خویش را از پس قرن‌ها غبار فراموشی شناسایی و زنده کند. هدف ما نیز از تدوین این مجموعه -نامه‌ی نامی- احیای نسخ خطی و میراث‌های معنوی ایرانیان است.

بذر کنجکاوی احیای این نسخ در سال ۱۳۷۷ با عنوان تصحیح و مقابله و نگارش منظومه‌ی «نامه‌ی نامی» در ذهنمان جوانه زد و موضوع پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد قرار گرفت و با تأیید استادان بزرگوار دکتر «مظاهر مصفا»، دکتر «حاکمی‌الا» و دکتر «جلیل تجلیل» و با راهنمایی و مشاوره‌ی ایشان، کار مقابله و تصحیح و شرح آن‌ها را به انجام رسانیدیم. و اینک با توکل به حضرت حق، به اتفاق دو تن از دوستان، پس از دوازده سال بر آن شدیم تا به‌طور مفصل زیر نظر استاد ارجمند دکتر «حسن ذوالفقاری» و با راهنمایی‌هایی دلسوزانه‌ی ایشان چهارگنج موجود از نامه‌ی نامی را مقابله و تصحیح و شرح نماییم. بنابراین برای به ثمر رسیدن آن دست‌چند از آستین جد بیرون آوردیم و آبگینه‌ی آرام و قرار را به سنگ مطالعه و مداومت مستمر شکستیم و اکنون حاصل آن پس از سه سال تلاش شبانه‌روزی فراوری شما اندیشه‌وران و دانش‌پژوهان است. امیدواریم سرمایه‌ی اندک ما را خاطر خطیر استادان فرزانه و اندیشه‌ی جوانان میهن اسلامی ایران پذیرا باشند و با رهنمودهایشان، ناراستی‌ها و کاستی‌های آن پیراسته گردد.

خدایا در پذیر این نغمه‌ی مستانه‌ی ما را

مکن نومید از حُسن قبول افسانه‌ی ما را

در پایان از همراهی خانواده‌های محترم خود و دوستان و عزیزانی که در به سرانجام رسیدن این مجموعه، ما را یاری نموده‌اند، به خصوص استاد ارجمند دکتر حسن ذوالفقاری و دکتر علیرضا فولادی، بی‌نهایت سپاسگزاریم.

راویہ کردافشاری

زمستان ۱۳۹۱

مقدمه‌ی دکتر حسن ذوالفقاری

به نام آن‌که در عنوان نامه بود نامش نخستین نقش خامه

منظومه‌های عاشقانه بسط‌یافته‌ی شعر غنایی است. در غزل مفهوم عشق به اشارتی بیان می‌شود اما در منظومه‌ی عاشقانه همان مضمون باز و گسترده شده، در قالب داستانی کمال می‌یابد. با رواج شعر غنایی در قرن پنجم و با توجه به زمینه‌های موجود و رونق داستان‌سرایی و منظومه‌پردازی، منظومه‌های عاشقانه نیز کم‌کم شکل می‌گیرد که از برخی نشانی باقی است؛ چون منظومه‌های رودکی و یا بخشی از آن در دست است؛ چون وامق و عذرای عنصری (مرگ ۴۳۱) و یا تمام آن موجود است؛ چون ورقه و گلشاه عیوقی که نخستین منظومه فارسی است. داستان‌های زال و رودابه، بیژن و منیژه، سودابه و سیاوش عشق‌های حماسی به شمار می‌روند.

در پایان همین قرن، «ویس و رامین» اولین و یکی از بزرگ‌ترین داستان‌های عاشقانه‌ی بلند خلق می‌شود. این منظومه نقطه‌ی شروعی برای داستان‌ها و منظومه‌های بعدی؛ از جمله نظامی (۵۳۵-۶۰۷) است در نظم خسرو و شیرین است. مکتب نظامی، جدای از آن که در داستان‌سرایی تحولی ویژه به وجود آورد، شاعران بزرگ را نیز تشویق کرد تا خمسه‌ها و سبعة‌ها بیافرینند.

نظامی گنجوی با داستان‌های عاشقانه‌ی خود (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر) یک قرن بعد از فخرالدین اسعد گرگانی، مکتبی را بنا نهاد که ادبیات عاشقانه را به مرز بلوغ رساند و پیروان بسیاری یافت؛ از جمله خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی، عطار نیشابوری، امیرخسرو دهلوی، جامی و مکتبی شیرازی که از مقلدان موفق نظامی‌اند. برخی چون امیرخسرو دهلوی ابتکاراتی را نیز در کار خود راه دادند؛ چنان‌که خسرو داستان دولرانی و خضرخان را به تأثیر از داستان‌های هندی ساخت و بعدها همین روش او بود که مورد استقبال شعرای شبه قاره چون فیض دکنی در نظم نل و دمن گشت.

در قرن نهم نیز با رواج منظومه‌سرایی، بسیاری از داستان‌های عامیانه به نظم درآمدند؛ از جمله بهرام و گل‌اندام امین‌الدین محمد صافی سبزواری و جلال و جمال (تألیف ۸۰۸) اثر محمد نزل‌آبادی. از قرن نهم به بعد، دو خصوصیت برجسته در منظومه‌ها به چشم می‌خورد که عبارت‌اند از: کمیت منظومه‌ها و بیان رمزی آن‌ها. قرون دهم تا سیزدهم به لحاظ کمی و از نظر شماره منظومه‌ها معادل است با چهار برابر تمام منظومه‌های قرون گذشته، به طوری که منظومه‌سرایی در این سه قرن به صورت یک سنت درآمد؛ یعنی هر شاعری رسالت خود را با نظم یک داستان عاشقانه پایان یافته می‌دید و معلوم است که با چنین گسترش چشمگیر، زبان منظومه‌ها بسیار نازل‌تر از دوران قبل خواهد بود. در تمامی منظومه‌های این دوران تمامی خصوصیات داستان‌های گذشته را می‌توان یافت. زبان آن‌ها عموماً ساده و متمایل به زبان عامه‌ی مردم است؛ چنان‌که در بیشتر موارد رنگ داستان‌های عامیانه را به خود می‌گیرد و از این جهت شاید دشوار باشد برخی از آن‌ها را در کنار منظومه‌های عاشقانه دوران گذشته چون آثار نظامی و امیرخسرو قرار دارد. در این دوران به موازات ایران، داستان‌های عاشقانه رو به افول می‌نهد؛ چنان‌که در دوران مشروطه و

بعد از آن و تا زمان ما، به کمترین تعداد خود می‌رسد. شاید یک دلیل آن تحوّل بود که در بینش و تفکر قوم ایرانی به وجود آمد. دیگر این که در عصر صنعت فرصتی برای خواندن این منظومه‌ها پیش نمی‌آید. با شکل‌گیری ادبیات دوران جدید داستان‌های منظوم عاشقانه، جای خود را به رمان‌های تاریخی و داستان کوتاه و رمان اجتماعی می‌دهند. شاید بتوان آخرین منظومه‌ی این دوران را زهره و منوچهر، سروده‌ی ایرج میرزا معرفی کرد که خود ترجمه‌ای است از یک داستان اروپایی و البته ناتمام.

تعداد قطعی این منظومه‌ها روشن نیست. در فهرستوارهای چاپی و خطی کتاب‌های فارسی، قریب ۶۰۰ داستان عاشقانه معرفی شده که تعداد هفتاد درصد به نظم و ۳۰ درصد به نثر است. اغلب آن‌ها تاکنون چاپ نشده است. تمامی این آثار نظیره‌گویی است. نظیره‌گویی، «تقلید» یا «تتبع» آن است که شاعر یا نویسنده‌ای، به پیروی شاعر یا نویسنده‌ی دیگر به خلق و نگارش اثری اقدام کند.

دلایلی چون شهرت و اصالت و گیرایی اثر؛ حوادث سیاسی، اجتماعی و معنوی، عواطف و احساسات خوانندگان، قبول عام اثر، پیروی از برخی سنت‌های ادبی، موجب می‌شود نظیره‌گویی و تقلید رواج یابد. تاریخ ادبی ما سرشار از این نظیره‌هاست.

تاکنون تعداد کمی از این نظیره‌ها چاپ شده است. قضاوت نهایی در مورد نظیره‌ها زمانی ممکن است که این آثار چاپ و نقد شده باشند و الا زدن مهر تقلید به بخش عظیمی از میراث فرهنگی این کشور و راندن انبوهی از این آثار به گوشه‌ی فراموشی شایسته نیست. در بسیاری از نظایر خلاف برخی نظر تاریخ‌نگاران ادبی، بسیار نوآوری‌های در نقل روایت دیده می‌شود. به هر حال تصحیح و انتشار این آثار جدای از آن‌که خود احیای یکی از آثار گرانسنگ فرهنگی به شمار می‌آید، زمینه‌های مطالعه در ژانر منظومه‌سرایی عاشقانه را نیز فراهم می‌کند.

نام‌های نامی یکی از ده‌ها نظیره بر آثار نظامی و از جمله آثار ادبی در سنت منظومه‌سرایی عاشقانه است. از پنج مثنوی نامی جز یوسف و زلیخا که یافته نشد، مصححان توفیق داشته‌اند چهار منظومه‌ی خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، وامق و عذرا و درج گهر را به ۱۰۸۷۱ بیت تصحیح و مقابله و شرح کنند. دسترسی به قدیم‌ترین نسخه‌ها، کار گروهی در تصحیح، تعلیقات لازم، نگارش مقدمه‌هایی بر هر مثنوی و تهیه‌ی فهرست‌های مفید بخشی از مزایای این تصحیح است.

مصححان این نام‌های نامی خانم‌ها راویه کردافشاری، وجهه کرم‌پسندی و نسرین رستمی‌تهرانی از دیران باسابقه و پژوهشگرانی هستند که در کنار تدریس و اشتغالات خود، این مهم را به خوبی به انجام و فرجام و سامان مناسب رساندند. سعی‌شان مشکور باد و اجرشان محفوظ که مردم فرهنگ‌دوست ایران هیچ‌گاه خادمان خود را فراموش نمی‌کند. به مصححان گرامی خسته نباشید می‌گویم و برای آن‌ها آرزوی توفیق دارم و چشم به راه آثار دیگرشان هستم.

به منّه و کرم

حسن ذوالفقاری - اسفند ماه ۱۳۹۱

معرفی شاعر

نگارگر عشق، و شاگردی قدردان

شیرین کلامی حق را موجب نامی شدنش در ملک نظم می‌دانست. از خدا می‌خواست چون عندلیبان در گلزار سخن، شعر سازد و نوا بنوازد و زبانش در برافشانی گوهر از درج دهان به رُطَب سپاس، گویا و شیرین گردد و آن قدر در و گُهر از بحر طبعش برآورد تا جیب جهان را سرشار نماید و شهره‌ی آفاق و الالمقام در انفس باشد. بدین سان، با راهیابی عروس نظم به خلوت‌خانه‌ی اندیشه‌اش در آن بزم به جلوه‌گری پرداخت، دیوان دل را گشود و شکرشان در نطق گردید، آن‌گاه قفل از درج معنی گشود و آغازین داستان خود، مثنوی خسرو و شیرین را به نظم درآورد و از پی آن چهار منظومه‌ی دیگر با نام‌های «لیلی و مجنون»، «وامق و عذرا»، «درج گهر» و «یوسف و زلیخا»^۱ با عنوان کلی (نامه‌ی نامی)، سرود. آری او کسی نبود جز سید محمدصادق موسوی اصفهانی متخلص به «نامی»، منشی و وقایع‌نگار دولت کریم‌خان زند، شاعر خوش‌قریحه‌ی نیمه‌ی دوم قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری از خاندان نژاده و خوشنام و دانشور و طبیب ایرانی یعنی خاندان حکیم سلمان.

حکیم سلمان در حدود سال ۱۰۳۰ هجری به فرمان شاه‌عباس صفوی از جهرم شیراز به اصفهان منتقل شد و طبیب خاص سلطان گردید. وی از سادات موسوی و از طبیبان بنام بود.

میرزا محمدصادق نامی فرزند میرزا محمدباقر و نوه‌ی میرزا محمدرضا حکیم‌باشی و برادرزاده‌ی میرزا عبدالباقی طبیب (حکیم‌باشی نادر و کلاتر اصفهان) است.^۲ از میان افراد خاندان حکیم سلمان دانشمندان مشهور، اطباء معروف، شاعران و نویسندگان بزرگی برخاسته و اطباء آن‌ها در دوره‌ی صفویه و افشاریه و زندیه رتبه‌ی حکیم‌باشی داشته‌اند.

نامی نیز از آن خاندان است. پدرش میرزا محمدباقر و پدر بزرگ و عمویش چنانکه از آن‌ها یاد شد، از علما و دانشمندان و اطباء بزرگ عصر خود بوده‌اند. دکتر بحرالعلومی در مجله‌ی دانشکده می‌گوید: «حاج میرزا محمدباقر ملاباشی تألیفات گوناگونی از جمله (بحرالجواهر در علم کلام، انوارالحقایق، مقاصدالصالحین، انوارالقلوب و شرح صحیفه‌ی سجادیه) دارد. دکتر بحرالعلومی این مطلب و اطلاعات دیگر را با استناد به نسخه‌ای از شجره‌نامه‌ی خانوادگی خاندان حکیم سلمان، از اعقاب و اجداد نامی که

۱. متأسفانه از این منظومه، اثری یافت نشد.

۲. ک: «صادق نامی و وامق و عذرای او»، دکتر بحرالعلومی، ۲۵-۲۶.

هم‌اکنون دردسترس اوست، ذکر می‌کند.

از تاریخ تولد وی در هیچ‌یک از کتب تذکره اثری یافت نشد، اما تاریخ وفات وی را تمامی کتب زندگی‌نامه و نیز شاگرد وی میرزا عبدالکریم بن علی رضا الشریف، سال ۱۲۰۴ دانسته‌اند.^۱ در دوران سلطنت نادرشاه از دست ساقی اجل شربت مرگ نوشید و طبع لطیفش در پرده‌ی خاک مدفون گردید. برخی محل دفن وی و پدر و اجدادش را در آرامگاه تخت فولاد نوشته‌اند که سند معتبری در این خصوص نیز یافت نشد.

دیدگاه‌های دیگران درباره‌ی نامی

الف. آذر بیگدلی از معاصران و دوستان وی (متوفی به سال ۱۱۹۶) که هشت سال پیش از وفات نامی در گذشته است، می‌گوید: «...حضرتش برادرزاده‌ی میرزارحیم حکیم‌باشی و در جوانی مشق انشا کرده، در نظم و نثر و قوفی حاصل و تاریخی بر وقایع دولت زندیه می‌نویسد و در فن نظم به مثنوی مایل و مثنوی لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، و وامق و عذرا گفته و بعضی دیگر در نظر دارد...»^۲

ب. عبدالرزاق بن نجفقلی دنبلی متخلص به «مفتون»، مؤلف مشهور نیمه‌ی اول قرن سیزدهم در نگارستان دارا که در سال ۱۲۴۱ تألیف کرده است چنین می‌نویسد: «اسمش میرزامحمد از قدمای معاصرین و از سادات موسوی و از سلسله‌ی میرزارحیم حکیم‌باشی و وقایع‌نگار کریم‌خان زند بود. مثنوی بسیار گفته، درج گهر، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، یوسف و زلیخا و وامق و عذرا و قصاید و غزل نیز دارد. از آن جمله است این دو بیت:

به سینه دل ز جفای تو خون شود چندم دل از وفای امید تو کاش می‌کندم
به سادگی‌ام نگر کز پی هزار خلاف به وعده‌های دروغ تو باز خرسندم»^۳

در ادامه‌ی سخن، مؤلف نگارستان دارا، نامی را در اواخر عمر مبتلا به فاقه و تنگدستی می‌داند و می‌گوید که به افیون عادت داشت و حتی برخی به وی نسبت باده‌گساری می‌دهند و او را فردی شراب‌خوار می‌دانند. این سخنان از نظر ما پایه و اساس درستی ندارد، زیرا اولاً فقط در اثر یاد شده به این مطلب اشاره شده و آثار دیگر هیچ‌گونه اشارتی به آن نداشته‌اند؛ ثانیاً شواهد و قرائن نظم و نثر وی نیز مؤید آن‌ها نیست. شاهد مدعای ما منظومه‌ی «درج گهر» اوست که در عقد هشتم بیت ۱۰۰۲ صراحتاً در آثار و تبعات سوء شراب‌خواری سخن رانده است و توصیه به ننوشیدن آن دارد. بنابراین اتهام باده‌خواری و افیون‌درباری وی نمی‌تواند درست باشد. در پاره‌ای از تذکره‌ها اشارتی به غزلیات و قصاید نامی شده است اما تاکنون از آن‌ها چیزی یافت نشده است.

پ. رضاقلی‌خان هدایت در مجمع‌الفصحا، ترجمه‌ی حالی از او آورده که تقریباً از آشکده برداشته

۱. ن. ک: تاریخ گیتی‌گشا، ذیل میرزا عبدالکریم (سبب تألیف کتاب)، ۲۷۶

۲. ن. ک: تذکره‌ی آشکده، ۳۵۵

۳. ن. ک: نگارستان دارا، ۱۴-۱۷

است: «... منشیانه عبارت‌پردازی کرده و در تمجید آن طایفه (زندیه) اصراری بلیغ نموده که بیش از اندازه‌ی ضرورت است. سخنانی نگاشته که بر بعضی مایه‌ی کدورت شده است. علی‌آئی حال در فن نظم به مثنوی‌سرایی راغب بوده، قصد تتبع خمسه داشته است. سه مثنوی خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، وامق و عذرا منظوم کرده است.»^۱

ت. شیخ آقابزرگ طهرانی در کتاب «الذریعه»^۲ او را برادرزاده‌ی میرزارحیم حکیم‌باشی می‌داند و به اقوال یاد شده در این کتاب و مقدمه‌ی استاد سعید نفیسی در کتاب تاریخ گیتی‌گشای نامی استناد می‌نماید.
ث. شیخ آقابزرگ طهرانی در طبقات اعلام الشیعه (کرام‌البره) می‌فرماید: «تخلصش در شعر نامی است و به میرزاصادق منشی معروف است و موسوی‌نسب است. دست توانایی در نظم و نثر دارد و قدمی راسخ در دانش و معرفت دارد. آثار باشکوهی از جمله تاریخ گیتی‌گشای به فارسی در تاریخ پادشاهان زندیه و شرح احوال آن‌ها دارد. آثار باشکوهی از آن جمله تاریخ گیتی‌گشای به فارسی در تاریخ پادشاهان زندیه و شرح احوال آن‌ها دارد که به نام ابی‌المظفر جعفرخان‌زندى تألیف شده است.

این کتاب با ذیلی (پانویشت) در سال ۱۳۱۷ چاپ شده و نامی نوشته‌هایی دارد که مولاعبد‌الکریم کرمانی مقدار ۴۰۰۰ بیت از سروده‌های او را انتخاب کرده و به خط خودش در سال ۱۲۴۳ در مجموعه‌ای گرد آورده است. تعدادی از این مجموعه اشعار، عتاب و نصیحت فیض‌علی‌شاه به فرزندش نورعلی‌شاه عارف مشهور است که قطعه‌ای از سروده‌ها را برای او نوشته در دو بیت خلاصه نموده است:

ای پسر از من بشنو هوش‌دار پند تو گویم به سخن گوش‌دار
طفلی و کم تجربه خامی مکن عرض هنر در بر (نامی) مکن^۳

ج. علامه سیدمحسن‌الامین در کتاب «اعیان‌الشیعه»^۴ می‌نگارد: وی کاتب دولت زندیه، سیدمحمدصادق سید مهدی‌بن میرعلی‌کبیرین سیدمنصوربن السیدمحمدبن المعالی ابن السید احمد الهمدانی الاصل الحسینی الطباطبایی است. مادرش فرزند سیدمحمدالمجاهد، صاحب کتاب مناهل و مادر او (مادر بزرگش) دختر سیدمهدی بحرالعلوم الطباطبایی، عالم فاضل و محقق، نکته‌بین، نزد علمای و استادان عصر خود درس خوانده که یکی از آن‌ها (علما) که مشهور است، صاحب فصول و فرزند سیدمحمدطباطبایی مشهور بوده، وی یکی از مؤسسان مشروطه در ایران بود.

از مجموع آن‌چه گفته شد برمی‌آید که وی از خانواده‌ای اصیل و فاضل است. ناگفته نماند، برخی تذکرها به انحراف رفته، به اشتباه اقوالی را نقل کرده‌اند که پایه و اساس درستی ندارد. در قول اخیر نیز نام پدر و اجداد او کاملاً متفاوت با دیگر سخنان است. پاره‌ای از نویسندگان و پژوهشگران نیز به سبب تشابه نام وی با چند شاعر دیگر، زندگی‌نامه‌ها را در هم آمیخته‌اند و به ناراست به جای هم آورده‌اند. از جمله کسانی که تشابه اسمی با شاعر ما دارد، نامی شاعر و مداح سیف‌الدوله است. خود شاعر نیز در

۱. ن. ک: مجمع‌الفصحاح، ج ۲، ۵۲۳-۵۲۴

۲. ن. ک: الذریعه الى تصانیف الشیعه، ۱۱۶۵-۱۱۶۶

۳. ن. ک: طبقات اعلام الشیعه کرام‌البره، ۶۲۸

۴. ن. ک: اعیان‌الشیعه، جلد التاسع، ذیل نام نامی، ۳۶۷

منظومه‌ی خسرو و شیرین می‌سراید:

به کیش شاعران شخصی از این پیش نهاده گرچه نامی نام بر خویش
به ملک نظم نام‌آور نبوده عبث بر خویشان تهمت نموده

نامی در این ابیات به تشابه اسمی خود با آنان اشاره می‌کند و آن‌ها را شاعر واقعی نمی‌داند. در لغت‌نامه‌ی دهخدا از سه نفر با عنوان نامی اصفهانی یاد شده است که تخلص همگی آنان نامی است و متعلق به قرن سیزدهم هستند که شاعر ما یعنی محمدصادق نامی در نظم و نثر توانا‌تر از دیگران درخشیده است.

وقایع زندگی و مسافرت‌های شاعر

چنان‌که در تاریخ گیتی‌گشای وی یاد شده، آشکارا می‌دانیم که وی در دوره‌ی زندیه و افشاریه، کریم‌خان زند و لطفعلی‌خان و نادر شاه افشار می‌زیسته؛ از اشعارش در مثنوی خسرو و شیرین درمی‌یابیم، گذارش از اصفهان به شیراز می‌افتد و در بر شخصی به نام (حاجی آقاسی) جای می‌گیرد که او را هنرور و دانشمند، نکورای و ثروتمند آن دوره می‌نامد و به قرب لطف او مأوا می‌یابد. حاجی آقاسی چون به بحر ژرف طبع نامی نظر می‌کند، طبع و بحرش را عالی و مواج می‌یابد و از او می‌خواهد پرده‌ی گنج سخن منظومش را کنار زند و بسراید. وی نیز به فرمان حاجی آقاسی در گنج خود می‌گشاید و نخستین داستان خود را که خسرو و شیرین است می‌سراید؛ نامی در ابیاتی از این داستان اشاره می‌کند، شخصی پیش از او این نام را برخورد نهاده و به عبث خود را شاعر خوانده است و این نام را زبنده‌ی خویش می‌داند (چنان‌که یاد شد). از دیگر هم‌عصران او آذر است، نامی، او را سزاوار دعوی اعجاز در نظم می‌داند و خسرو و شیرینش را برای او می‌سراید:

نخستین چون که این ساغر گرفتم به طاق ابروی آذر گرفتم
خطاب به آذر، او را شناسای جواهرهای گنج خود می‌داند:

من این رنجی که در این گنج بردم به امید تو چندین رنج بردم
خزف گر دارم ار گوهر به هر حال تویی صراف این درج نکوفال

لطفعلی بیگ آذریگدلی مؤلف تذکره‌ی آتشکده از محبوب‌ترین ممدوحان نامی است. شیوه‌ی نظم نامی مورد تقلید برخی معاصرانش از جمله (وفای قمی) بوده است.^۱ نویسندگان و شعرای معاصر وی مانند: ابوالحسن غفاری و لطفعلی بیگ آذریگدلی از شخصیت و قلم وی به‌خوبی یاد کرده‌اند.^۲

آثار نامی

نامی اثری منثور به نام تاریخ گیتی‌گشا را تألیف کرده است که دربردارنده‌ی آغاز تاریخ زندیه تا حوادث

۲. ن. ک: نگاهی به تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ خاندان زند، ۱-۳

۱. ن. ک: حدایق الشعراء، ج ۳، ۲۰۱۵

۲۱ محرم سال ۱۲۰۰ است و پیش از پایان یافتن آن عمر بر او وفا نکرده و درگذشته است. یکی شاگردان نامی به نام عبدالکریم بن علی رضا الشریف بر تألیف استاد خود ذیلی نوشته و آن را به اواسط پادشاهی لطفعلی خان زند رسانیده است و ذیل دیگری را میرزا محمد رضای شیرازی بر این کتاب نوشته و تا انقراض سلسله‌ی زندیه به دست قاجار بوده است. این کتاب بر روی هم شامل یک دوره‌ی کامل تاریخ سلسله‌ی زندیه است که دقیق‌ترین و معتبرترین کتاب است، زیرا مؤلف خود در وقایع حاضر بوده و اعتبارش به جهت راستگویی است. اشکال کتاب در آن است که به روش تاریخ‌نویسان آن زمان، با انشایی که کنایات و استعارات و تشبیهات بی‌مورد و اطناب‌های فراوان دارد، نوشته شده است.

آثار منظوم

پنج مثنوی با عنوان (نامه‌ی نامی) به تقلید از خمسه‌ی نظامی سروده. گفتنی است که از این پنج گنج او مثنوی یوسف و زلیخا تاکنون یافته نشده است. اما چهار منظومه‌ای که توفیق تصحیح و مقابله و شرح آن را یافته‌ایم. به ترتیب زیر است:

۱. خسرو و شیرین ۴۵۲۰ بیت در بحر هزج

۲. لیلی و مجنون ۲۲۱۲ بیت در بحر هزج

۳. وامق و عذرا ۲۸۴۲ بیت در بحر رمل

۴. درج گهر ۱۳۱۵ بیت در بحر سریع برون مخزن الاسرار نظامی

امیدواریم واپسین گنج نامی (یوسف و زلیخا) به‌زودی به‌دست پژوهشگری یافته شود و در کنار چهار مثنوی دیگر به محضر دوستداران علم و ادب عرضه گردد.

راویه کردافشاری

خسرو شیرین

سید محمد صادق موسوی نامی اصفهانی

مقدمه، مقابله، تصحیح و تعلیقات

راویہ کرد افشاری

درباره‌ی منظومه‌ی خسرو و شیرین نامی اصفهانی

چنان‌که در بخش آثار شاعر ذکر آن رفت، این منظومه آغازین سروده از (نامه‌ی نامی) با بیش‌ترین تعداد ابیات است. آنچه ظاهر ابیات این منظومه و دیگر منظومه‌ها می‌نماید این است که گویا نغزترین افکار و هنرها در آن جاری است. شاهد ادعای ما دو بیت آغاز داستان خسرو و شیرین است:

چو قفل از درج معنی باز کردم	نخست این داستان آغاز کردم
اگرچه بود این نظم نخست	ورق از نظم‌های جمله شستم

این منظومه به‌همراه ابیات افزوده از نسخه بدل‌ها دارای ۴۵۲۰ بیت است و به تقلید از نظامی سروده شده است. شاعر در آغاز به دو نوع توحید روی می‌آورد؛ ابتدا توحید به روش غایب و سوم شخص و سپس توحید به روش مخاطب یا خطاب دوم شخص. آن‌گاه به دو گونه به مناجات حق می‌پردازد، ابتدا عجز و نیاز سپس درخواست از خدا. در فرازهای دیگر نعت خواجه‌ی کاینات، حضرت محمد (ص) و منقبت امیرالمؤمنین علی (ع) را می‌آورد و، همچون دل‌باخته‌ای ارادت راستین خویش را به مولا امیرالمؤمنین ابراز می‌دارد، سپس داستان معراج خیرالبشر، رسول اکرم (ص)، سبب نظم کتاب، خطاب به آذر و سرانجام داستان خسرو و شیرین را به نظم درمی‌آورد. چنان‌که می‌دانیم مقلدان بی‌شماری منظومه‌ی خسرو و شیرین نگاشته‌اند. از آن جمله است شیرین و خسرو امیرخسرو دهلوی، شیرین و خسرو هاتفی خرجردی، فرهاد و شیرین وحشی‌بافقی، شیرین و خسرو آصفی، شیرین و خسرو روح‌الامین شهرستانی و خسرو و شیرین میرزا محمدصادق اصفهانی قرن ۱۲ و اوایل ۱۳ که اینک پیش روی شماست.

ویژگی‌های سبکی خسرو و شیرین نامی

با این‌که خواندن اشعار او اندیشه‌ی ما را به‌سوی سبک نظامی (سبک عراقی) می‌کشاند، اما به‌راحتی با ژرف‌نگری در همه‌ی ابیات و با توجه به دوره‌ای که شاعر در آن می‌زیسته، در می‌یابیم که اثر نامی به سبک دوره‌ی بازگشت نزدیک‌تر می‌نماید. گرچه بیش‌تر ابیات این منظومه ساده و روان و در خور فهم است و به سبک معاصر و مشروطه می‌ماند، اما برخی ابیات آن دیرپاب است و سبک خراسانی و عراقی و حتی هندی را فرایادمان می‌آورد. حال ویژگی‌های سبکی منظومه را با شاهد مثال‌ها باز می‌کاویم.

۱. ویژگی‌های زبانی

الف. ویژگی‌های لغوی

- شاعر در این منظومه با بهره‌گیری از امکانات زبان فارسی واژگان و ترکیباتی نو آفریده است. فهرست برخی از این واژگان و ترکیبات را از نظر می‌گذرانیم:

حکمت بانی ۱۳/ اقبال بانی ۴۴۸۲/ اقبال زار ۱۴۶۵/ دلفگاری ۸۱/ اوج اقبال ۱۱۰۸/ طرفه آیت ۱۱۲۱/ کافرستان ۲۳۱۴/ نفس نفسان ۲۳۵۹/ فیض بانی ۲۳۸۷

- در این مثنوی، با واژگان کهن چندی به سبک خراسانی نیز مواجهیم که بسامد آن بیش‌تر از واژگان نویی است که بر ساخته‌ی خود شاعر است. پاره‌ای از واژگان کهن:

بلارک ۱۳۵۱/ مرغوله ۸۸۳، ۱۳۸۵، ۲۹۷۰/ گلف ۸۸۲/ ناورد ۳۰۳۹/ خست ۸۸۶/ فتراک ۲۲۰۹/ در یوزه ۲۹۷۱/ بنامیزد ۱۳۹۲/ طبرزد ۲۶۳۸، ۳۷۹۲/ مشعبد ۳۲۸۹، ۱۳۹۶/ دیهیم ۲۰۷۱، ۱۵۴۱، ۱۲۵۹/ چنگل ۲۲۰۹، ۱۲۲۸/ ناوک ۱۳۸۸، ۲۸۰۴

- شاعر با استفاده از امکانات دستگاه زبان از اصطلاحات علوم مختلف بهره‌جسته است که نمایانگر دانش وسیع او در زمینه‌های گوناگون است، پاره‌ای از این واژه‌ها و اصطلاحات را فراوانیتان می‌نهم:

- اصطلاحات نجوم:

نُه فلک ۵۵/ هفت اختر ۵۷/ حمل، ثور ۱۷۶/ زحل، سعد اکبر ۱۷۷/ جدی، بهرام، حوت ۱۷۸/ عطارد ۱۷۹/ قوس ۱۸۰/ هفت آسمان ۲۲۹/ فرقدان ۲۰۰۱/ جوزا ۱۷۹ و ۲۰۳۶/ سعد ذابح ۲۰۳۷/ ناهید ۳۸۰/ نسر طایر ۲۴۳۹/ کیوان ۳۷۶/ تیر ۲۰۵۴/ برجیس ۲۰۵۵/ هفت کوکب ۲۹۸۸/ نُه دفتر ۲۹۸۷/ هفت اورنگ ۲۹۸۷

- اصطلاحات موسیقی:

چنگ ۸۲/ مضراب ۵۲۱/ رود ۵۲۱/ بریط ۵۲۱/ عود ۵۲۱/ نی ۱۵۳۴/ مطرب ۲۶۷۶/ دف ۲۶۷۷/ ارغنون ۲۶۷۷

- اصطلاحات فلسفی و کلامی:

وحدت ذات ۸۲/ حد ذات ۸۳/ ادراک صفات ۸۳/ صنع لایزال ۱۳/ هفت مذهب ۱۴۱/ صنع بی‌مثال ۳۴/ وحدت ذات ۸۲/ مکان لامکان ۲۰۴/ ادراک حواس ۳۳/ معیار قیاس ۳۳

- واژگان باده‌گساری:

ساقی ۵۱۹/ ساغر ۸۱۲/ صهبا ۷۹۶/ میگسار ۸۰۰/ ایاغ ۲۹۰۸/ صراحی ۲۶۸۰/ قدح ۲۶۷۰

- اصطلاحات علم طب و بهره‌گیری از اعداد:

مزاج هشتگانه ۵۶/ موالید سه‌گانه ۵۹/ سه رکن ۱۹۶/ چار دیوار ۱۹۶/ شش جهت ۲۹۸۸

- از دیگر ویژگی‌های لغوی و زبانی این منظومه تکرار قید و برخی واژگان و اصطلاحات است:

قاف در قاف ۴۰۶/ گنج در گنج ۴، ۱۳۲۲، ۲۲۶۵/ بیابان در بیابان ۱۰۳۸، ۲۵۴۲، ۳۱۷۷/ راغ در راغ ۱۰۳۸/ گلستان در گلستان ۱۰۳۸/ باغ در باغ ۱۰۳۸، ۱۳۷۸/ گستاخ گستاخ ۱۲۲۴/ فرسنگ در فرسنگ

۷۱۲/ شاخ بر شاخ ۱۲۲۴/ زینهار زینهار ۱۲۸۹، ۳۴۵۸/ میل در میل ۱۳۲۱/ خزینه در خزینه ۱۳۲۲، ۲۲۵۴/ کیل در کیل ۲۰۲۲/ خیل در خیل ۲۰۲۲/ فوج در فوج ۲۰۲۳/ تنگ در تنگ ۲۰۲۰/ رنگ در رنگ ۱۳۸۰، ۲۰۲۰/ خم در خم ۱۳۹۰، ۳۱۵۷/ خروار خروار ۲۰۲۴، ۱۴۷۹، ۲۲۵۵، ۳۵۲۴/ خرمن خرمن ۲۰۲۴/ عروسی در عروسی ۴۳۲۱/ علاقه در علاقه ۲۲۵۴/ انبار انبار ۲۲۵۵، ۴۳۱۱/ بیابان تا بیابان ۲۳۵۸/ دشت در دشت ۲۳۵۸/ زمزل تا به منزل ۲۴۴۵/ دشت تا دشت ۲۲۴۵/ کام در کام ۴۳۲۱/ سماع اندر سماع ۴۳۵۷/ رود در رود ۴۳۵۷/ چنگ در چنگ ۲۷۸۱، ۴۳۵۹/ چشمه چشمه ۲۸۱۷/ خاموش خاموش ۲۹۰۴/ هیهات هیهات ۳۰۴۸/ سیاهی در سیاهی ۳۰۹۶/ تجلی در تجلی ۳۱۰۲/ نور در نور ۳۱۰۲/ سرود اندر سرود ۴۳۵۷/ عود در عود ۴۳۵۷/ مغنی در مغنی ۴۳۵۹.

همانگونه که دیدید برخی از واژه‌ها فقط تکرار شده‌اند و پاره‌ای دیگر با قرار گرفتن حروف اضافی مختلف در میان آن‌ها ساخته شده‌اند.

واژگانی چون (نظاره، مباحی و حنظل) و اصطلاحات (از مه تا به ماهی) بیش از واژگان دیگر در متن به کار رفته‌اند.

در متن با تعدادی از ترکیبات عربی نیز روبه‌رو هستیم:

لا یزالى ۳۲/ درة التاج ۱۵۵/ یدالله ۱۵۶/ ماسوی الله ۸۹/ خیر المسالک ۲۲۷/ تعالی الله ۲۳۱/ عین الکمال ۲۳۸، ۳۴۶/ دارالملک ۵۶۹، ۵۹۴/ معاذ الله ۷۴۰، ۱۸۳۷/ ام الفساد ۳۳۸۹/ بحمد الله ۴۶۶۲

- در بسیاری از واژگان، کاهش واجی صورت گرفته است. این امر هم موجب صرفه‌جویی در نوشتن و وقت می‌گردد، همچنین در سهولت وزن عروضی مؤثر است:

ستاده ۶۸۰، ۱۵۳۳/ مه ۷۷۰/ فند ۶۵۳/ فسون ۱۱۸۲، ۱۹۰۵/ فتاده ۱۹۰۰/ فتم ۴۰۷۶/ چنگل ۲۲۰۹/ فزون ۲۱۱۳/ رخشان ۲۰۶۶/ نومید ۲۲۱۳/ فلاطون ۳۴۸۳/ آگه ۳۴۸۵/ چیر ۲۲۴۴/ فتان خیزان ۳۲۹۰/ به‌ندرت با ممال روبه‌رو هستیم: خزینه خزان، افسان ممال افسون و...

در بخش آغازین منظومه با واژگان عربی بی‌شماری مواجهیم، اما هنگامی که داستان آغاز و ادامه می‌یابد، رنگ واژگان فارسی و ترکیبات آن را پررنگ‌تر می‌بینیم.

شاعر در جای‌جای منظومه از مشهورات بهره جسته است. این واژه‌ها و ترکیبات از آن جمله‌اند:

دیای چینی، شکر مصری، بت‌خانه‌ی چین، دیبای رومی، اطلس چینی.

ب. ویژگی‌های دستوری:

در جای‌جای شعر از انواع «واو» استفاده شده است:

- «واو» تقابل

جبین خسروان و خاک راحت ۳۷۹۳

که زنجیروی است و گردن جان ۳۸۶۵

سر پرویز و اینک تیغ تیزت ۳۸۷۳

بیخشم یا بکش تا چیست رایت ۴۲۲۷

بگفت ای جمله عالم در پناهت

بترس از قید این زلف پریشان

اگر باشد به من رای ستیزت

کنون روی من و خاک سرایت

— «واو» همراهی و معیت

من و بیداری تاریک شب‌ها
گر از لطفم بسخوانی یا برانی
در بیت بالا (واو) معنی امیدواری نیز می‌دهد.
گاهی بنمود زلفش طوق گردن
— «واو» ماینت و استبعاد

ز یارب یاربم فرسوده دل‌ها ۲۵۶۷
من و پاس رضای تو، تو دانی ۴۲۲۸
که طوق بندگی و گردن من ۴۳۶۶

ز طاق‌ت عشق دارد بی‌نیازی
— کاربرد «ک» تصغیر

شکیبایی کجا و بی‌نیازی ۴۰۸۰

بیا از قید آن قید سمن‌بار
— جمع بستن با «ان» برخلاف قاعده
نهادم رو به شهران و دیاران
— جمع بستن اسم جمع با «ان»
خدایت بر جهانی پاسبان کرد
— جمع بستن عندلیب

دل زار مرا زین بهتر کرد ۴۲۴۵

چراغ لاله و گل را برافروز
آوردن دو ادا‌ت پرش پی‌درپی

عنادل را غزل‌خوانی درآموز ۳۱۳۳

که آیا این گل نو را چه نام است
که آیا از کدامین گلستانند
که آیا این چه‌روز دلت‌نواز است

گلستانش کجا باغش کدام است ۲۳۲۰
که تسکین دل و آرام جانند ۴۸۶
که از شش سو درامید باز است ۴۱۸۹

— جابه‌جایی ضمیر «کاربرد ضمیر در غیر جایگاه اصلی خود» که شاید بتوان از اختصاصات سبکی وی برشمرد.

به پابوس آمدندش آسمان‌ها
ز گیسو حوریش راه رُفتند
به نخلی دید بازی خوش خط و خال
به یک نظاره‌ام دل ناتوان شد
پرستاران چو دیدند آن مه از شرم
شب و روزش ز شوق آینه در دست

ز ارواح مجرد کاروان‌ها ۲۰۱
بر آن دولت مبارک باد گفتند ۲۲۶
چو طاووس نگارینش پروبال ۶۰۶
دل‌م را برد و از چشم نهان شد ۷۸۴
ز شاپورش به دل می‌آید آرم ۹۸۳
شده از نشئه‌ی دیدار خود مست ۱۰۰۱

همچنین در ابیات بی‌شماری ضمیر به کار رفته و در بسیاری از آن‌ها جابه‌جا شده است. از آن جمله‌اند این ابیات:

۱۰۰۵، ۱۱۳۰، ۱۷۰۱، ۳۱۶۹، ۳۱۷۸، ۳۴۸۰، ۳۵۰۳، ۳۵۶۰، ۳۶۹۸، ۳۷۱۴، ۳۷۰۳، ۳۷۸۴، ۳۸۰۲،

۳۸۰۶، ۳۸۰۷، ۳۸۱۹، ۳۸۴۴، ۳۹۳۲، ۳۹۳۹، ۴۰۹۴، ۴۱۱۴، ۴۳۸۷

در بیت زیر چندین ضمیر به کار رفته است:

به محض یک نگه رفت از کفش دست فتادش کار و کارش گشت مشکل
- کاربرد (رای فک اضافه)

سرا را در به روی شاه در بست خود اندر قصر شد در پرده بنشست ۲۴۶۴
به کیش اهل همت این روا نیست کرم را در جهان این اقتضا نیست ۲۴۷۶
که بر مهمان کسی خواری پسندد سرا را در بهرویش باز بندد ۲۴۷۷
سیه بنمود چشم از سرمه‌ی ناز که شه را از نگاهی ره زند باز ۳۷۳۸
- کاربرد فعل در دو معنی دور از هم
حکیمی خوش به من آموخت این راز که رو از یار دوری خانه‌پرداز ۳۸۸۹
خانه‌پرداز در دو معنی خانه‌ای را بساز و فراهم کن برای مهمان و معنی دوم: خانه را خلوت کن.
- کاربرد قید مختص با واژگان امروزی «خصوص» و «به تخصیص» که کاملاً یادآور سبک معاصر است.

شب هجران به عاشق بس دراز است خصوص آن شب که چشم از رشک باز است ۳۲۰۳
خصوص آن خسته دل فرهاد مهجور مبادا از حریم حضرت دور ۳۱۶۹
شب غم روز کردن صعب‌کاری است به تخصیص آن زمان کان غم زیاری است ۳۱۹۸
- کاربرد واژه‌ی (پرایگان) به سبک معاصر که جزو اشکالات نگارشی محسوب می‌شود:
بلی در عشق‌بازی بیم جان است به شهر عشق جان پرایگان است ۸۲۳
- قسم خوردن با جمله‌ی معترضه که نمایانگر سبک معاصر است:
قسم باور اگر داری به دیدار که در وی بشکنم هر لحظه صدخار ۴۰۳۲
- عامیانه‌نویسی باز هم نمایانگر سبک امروزی شاعر است:
حدیث صورتی سر تا به پا نور فرشته طینتی از هر بدی دور ۳۵۸۶
- کاربرد «ضرور» به جای ضروری:
بلی در عشق درویشی ضرور است شهی و عاشقی بسیار دور است ۲۲۲۵

- آوردن دو پسوند و ایجاد حشو در کلام:
نگه باید در این زنگارگون فام به گردش‌های تیر و سیر بهرام ۳۹۵۱

۲. ویژگی‌های ادبی و زیبایی‌شناسی

الف. بلاغت، آرایه‌های ادبی و موسیقی:

تشبیهات و استعاره‌های به کار رفته، ساده و طبیعی و محسوس و عینی است. بیش‌تر تشبیهات و استعاره‌ها در خور فهم عامه‌ی خوانندگان است و اندک ابیاتی با استفاده از آرایه‌های یادشده آمده است، از آن جمله‌اند:

- تشبیه:

نمودند آن تذروان هم‌آواز
لب چون شکرش سرچشمه‌ی نوش
جنیبت‌های زیرین رخت تازی
که ای نسور چراغ آشنایی
تعالی‌الله به رخ چون تازه باغی
ز غازه کرده چون سوری سمن را
- استعاره:

ز دندان خست لعل آبدارم
خجل از سروقدش سروستان
عروسان کواکب چون سحرگاه
جهان را نور خور پیرایه بریست
ز سنبل زینت نسرین نموده
به پیش قامت آن سرو چالاک
شاعر به کمک واج‌آرایی، اشتقاق، شبه اشتقاق و برخی تکرارها به موسیقی کلامش بیش از پیش افزوده است.

- واج‌آرایی:

کنون در بیستون آن خاره‌فرسا
چو این افسانه‌ها معروض شه شد
شد از این نکته عشق فتنه‌انگیز
گاهی شاعر همانند نظامی، رندانه با واژه‌گزینی به بازی با کلمات می‌پردازد و آرایه‌های اشتقاق یا شبه اشتقاق و واج‌آرایی و تکرار را هنرمندانه در هم می‌آمیزد:

غرض چون دیده دید آن روی زیبا
بین واژه‌های «دیده، دید، دیدار» اشتقاق و واج‌آرایی وجود دارد.

ز فخرش فرق زب فرقدان شد
- تکرار و شبه اشتقاق بین واژه‌های «فرق، فرقدان».

چو بوم آرام در ویرانه کرده
- شبه اشتقاق بین واژه‌های «بیغوله، غول».

گر آید چشم شوخم در کرشمه
- اشتقاق و واج‌آرایی بین واژه‌های «چشم، چشمی، چشمه»

در نمونه‌های زیر هنر بازی با واژه‌های «خوب» و «شکر» نمایان است:

ولی خوبی نه تنها خوب‌رویی است به‌جز رخسار خوبی صد نکویی است ۲۶۲۵

شکر لب بار دیگر با شکرخند شکر بارید از لب‌های چون قند ۲۹۱۳
و نیز زمانی دیگر تکرارها در شعر بر موسیقی آن افزوده است. چنان‌که ذکر آن در قیدهای تکرار و ترکیب‌های مکرر رفت:

مغنی مست و ساقی مست و شه مست	صبا مست و هوا مست و سپه مست ۲۶۸۳
سماع انسدر سماع و رود در رود	سرود اندر سرود و عود در عود ۴۳۷۵
نوا انسدر نوا و ساز در ساز	در این طاق نگون پیچیده آواز ۴۳۵۸
مغنی در مغنی چنگ در چنگ	بنای نه فلک پر شد ز آهنگ ۴۳۵۹

- حسامیزی: در فرازهایی از مناظره‌ها و نامه‌نگاری‌های بین عاشق و معشوق بیش‌تر رخ می‌نماید.
از او نشنید گوشم غیر دشنام
به حرف تلخ داد آخر جوابم
چو دیدم زین بشارت‌ها شفتن
ز لب‌ها از شکر خندی شکرریز
- آرایه‌ی عکس:

به این و آن نخواهد مهربانش	نخواهد مهربان با این و آتش ۳۶۹۵
خوشا روزی که در آغاز این کار	تو ما را یار بودی ما تو را یار ۳۸۰۴

- لف و نشر:

لب و دندان او چون لعل و چون در	دهانش درجی اما از گهر پر ۹۹۷
لف و نشر مرتب بر اساس رابطه‌ی شباهت:	
پناه و پشت تاج و تخت شاهی	به خدمتکاری‌اش شاهان مباحی ۱۱۱۱
آرایه‌های جناس تام و پارادوکس به ندرت در این منظومه یافت می‌شود.	
چرا سروم شدی از بار غم خم	که نخلم را نمودی نخل ماتم ۲۱۴۷
(جناس تام در واژه‌های نخل)	

- متناقض‌نما

شراب لعلگون خون شد به جامش ز شیرین شهد تلخی دید کامش ۲۲۲۲

- ضرب‌المثل‌ها که در بخش تعلیقات منظومه فهرست آن آمده است.

ز سودایی تو از عالم فراغم	ز باد دامت روشن چراغم ۳۷۶۵
---------------------------	----------------------------

- صنعت تقسیم:

همه سودای هم در سر گرفته	یکی دل داده آن دیگر گرفته ۲۶۸۵
در آن ره مقصد شاه و گدا عشق	غرض عشق و مرض عشق و بلا عشق ۲۶۸۹

ب. عروض و قافیه:

از لحاظ شکل ظاهری وزن عروضی شعر بر مبنای تساوی طولی مصراعها در بحر هزج مسدس محذوف است، اختیارات شاعری به کار رفته در آن همه از نوع زیبایی است. قالب شعر مثنوی است، آنجا که کلام اقتضا می کند قافیه و ردیف را به زیبایی در کنار هم آورده است:

به مه از تار مو عنبر فشانده به گل سنبل ز گیسو بر فشانده ۹۹۹

نگاهی آن پری بر رویش افکند نظر بر قامت دلجویش افکند ۱۰۰۴

- و در فرازهایی علاوه بر مورد مذکور (بیت ۹۹۹) پیشوند را واژه‌ی قافیه قرار می دهد.

به هر صحرا که صیدانداز می گشت به سرعت بی توقف باز می گشت ۱۰۴۰

- در برخی ابیات ذوقافین به کار رفته است که از هنرهای قافیه سازی است:

به رخ تا دیده‌ی حسرت گشودش ز زیبایی آن حیرت فزودش ۱۰۲۰

در بیتی با تلفظ درست کلمه‌ی «چاکر» به فتح «ک» آن را با واژه‌ی «یکسر» قافیه قرار داده است:

سران و سروران روم یکسر ز جانش بنده گردیدند و چاکر ۲۰۱۴

در عین حال شاهد پاره‌ای از اشکالات وزنی و قافیه‌ای و ابیات سست هستیم که البته در مقابله‌ی با نسخ دیگر این اشکالات برطرف می شود. به نظر می رسد، بی دقتی کاتب عامل این اشکالات باشد.

اشکالات وزنی که بسامد آن‌ها کمتر از ۸ تاست:

به گردش لشکری گشتند فراهم سراسر زاده با شمشیر توأم ۱۳۳۳

بدین سان کوه به کوه سرگشته می گشت کنار از خون دل تر گشته می گشت ۲۳۶۹

ندارد بسا کرم این سازگاری که بر مهمان روا دارند خاری ۲۴۷۵

و همچنین ابیات ۱۱۵، ۱۷۲۳، ۱۷۲۳، ۲۸۶۷، ۴۱۱۲

- اشکالات قافیه‌ای، حدود ۳۳ بیت:

تو باش از لطف بی اندازه یارم به مثنی سفلگان مگذار کام ۱۰۹

در نسخه‌ی بدل‌ها به جای «کام»، «کارم» آمده و اشکال برطرف شده است.

اگر ممکن بود زین گونه‌ات نیست غنیمت دان که این کم دولتی نیست ۴۰۵

این اشکال در همه‌ی نسخه‌ها موجود است:

به جز شیرین و شرح اشتیاقش نباشد داستانی در دماغش ۱۱۶۴

در نسخه‌ی بدل‌ها چنین آمده: (و ناقش) ظاهراً به خاطر اغلاط رسم الخطی و املایی آن دوره چنین مشکلی در قافیه ایجاد شده است.

و نیز اشکالات قافیه در ابیات:

۹۳، ۱۲۹، ۳۹۴، ۵۶۵، ۸۱۸، ۱۱۲۰، ۱۲۴۳، ۱۴۰۸، ۱۹۶۹، ۲۱۱۳، ۲۱۴۳، ۲۱۵۸، ۲۳۲۸، ۲۳۹۹،

۲۴۰۹، ۲۴۶۳، ۲۵۱۶، ۲۶۳۶، ۲۶۳۹، ۲۶۴۷، ۲۶۴۸، ۲۸۵۶، ۳۰۳۸، ۳۰۶۰، ۳۱۳۹، ۳۱۴۶، ۳۵۵۶،

۳۵۸۰، ۳۶۱۵، ۳۶۵۳، ۳۷۶۱

در منظومه با برخی ابیات سست نیز مواجهیم که پاره‌ای از آن‌ها اشکالات کاتب است نه سراینده.

زیرا در نسخه‌ی بدل‌ها این مشکلات برطرف شده است و تعداد آن‌ها بسیار کم است:

ببر این نامه را از ما به‌سویش ز گرد ره پرسد چون به‌کویش ۳۱۸۳
 تو را یاری است شکر چون به ناموس به ناموس منت از چیست افسوس ۳۲۲۸
 در نسخه بدل‌ها به جای «پرسد»، «رسیدی» آمده است. در نسخه بدل‌ها «چون شکر به ناموس» آمده؛
 همچنین است ابیات ۳۱۸۴، ۳۲۴۱، ۳۳۹۴، ۳۵۶۹، ۳۵۷۲، ۳۶۸۸، ۳۸۸۰.

۳. ویژگی‌های فکری و محتوایی

شاعر در آغاز منظومه با ابیات پر مغز و واژگان نغز و ترکیبات نو و زیبا به ستایش حضرت حق پرداخته، آن‌گاه از او درخواست می‌کند تا در ملک نظم به او احتشام بخشیده، شهره‌ی آفاق نموده، در این عرصه پادشاهش کند، ارباب دانش را سپاه او گرداند و به خاطر رنج‌های فراوانی که در سخن متحمل شده است گنج‌های نهانی سخنش را در بگشاید و اهل هنر را از آن توانگر نماید:

تو در بگشای این گنج گوهر را توانگر کن از آن اهل هنر را ۱۰۶
 سپس از دست سفلگان دیار خود می‌نالد و دست‌ستیز با آنان یا پای‌گریز از ایشان را خواهان است و از بارگاه ربوبی‌اش طلب بخشایش می‌نماید.

در فراز دیگر به ستایش پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد و او را بهانه‌ی آفرینش می‌داند و سخن از وصف مولا امیرالمؤمنین (ع) را به تمامی می‌راند و به واقعه‌ی فتح مکه که در آن مولا علی (ع) به‌منظور فرو ریختن بت‌های خانه‌ی کعبه پا بر روی دوش پیامبر نهادند و بت بزرگ و بت‌های دیگر درون کعبه را فرو ریخت، اشاره می‌کند و از پیشگاه شاه نجف می‌خواهد او را یاریگر باشد و به سفلگانش محتاج ننماید.

داستان معراج پیامبر (ص) را پس از آن به‌زیبایی با شبکه‌ی رمزهای کیهانی بیان می‌کند. چنان‌که عرفا آفتاب و ماه و ستارگان را به‌دلیل نورانیت، یادآور مراتب تجلی حق دانسته‌اند،^۱ با واژگان شب‌قدر و اختر، صبح و خورشید و ماه و سعداکبر و جدی و بهرام و زهره و... این تجلی را در معراج دریافته، به تصویر می‌کشد.

سبب نظم منظومه‌اش را رفتن به شیراز و در پناه دولت عدل‌پرور و وجود و حمایت شخصی به‌نام حاجی آقاسی با ویژگی‌های وفور دانش و بینش و بخشش و... می‌داند و بارها و بارها از حسودان و سفلگان هم در این مثنوی و هم در مثنوی‌های دیگر می‌نالد و از خدا می‌خواهد او را از بدی‌های آنان مصون دارد.

آن‌گاه می‌سراید:

نخستین چون که این ساغر گرفتم به طاق ابروی آذر گرفتم ۲۷۲
 خطاب به آذر می‌گوید:

چراغ زیب بزم نظم آذر ۲۷۳	الا ای آفتاب ذره پُرور
به امید تو چندین رنج بردم ۲۷۶	من این رنجی که در این گنج بردم
شناسای جواهرهای این گنج ۲۷۷	تویی کز قدرت طبع گهرسنج
تویی صراف این درج نکوفال ۲۷۸	خزف گر دارم از گوهر به هرحال

و سرانجام داستان خسرو و شیرین را با زبانی پخته و تصاویر دلپذیر و استوار درخور منظومه‌ی عاشقانه و غنایی با مهم‌ترین شبکه‌ی رمزهای «یارانه»^۱ می‌سراید. سرشاخه‌های مهم این شبکه: «عشق، عشاق و محبوب و محبت» است با زیر شاخه‌های «آتش افروز، آشنایی، ناز، نیاز، شاهد، بقراری، حسن، شکرلب، شکرخند، شکرریز، عارض، زیبا‌عذار، گل رخسار، مستانه، طناز، رعناغزال، رعناخرام، لعبت، مشعبدنرگس، مجعدگیسو، کمند خم به خم، زیبایی، مسلسل کاکل و... است».

شاعر در بسیاری از ابیات تخلص خود را می‌آورد و شاید از بیم سرقت اشعارش در جای‌جای منظومه به ذکر نام خود دقیقاً ۱۵ بار می‌پردازد از آن جمله است:

مرا کردی به ملک نظم نامی ۸۹	خداوند از بس شیرین کلامی
ز رحمت اندر این سختیش مگذار ۱۷۶	به نامی لطف خود را یار کن یار
که پرورده است عشق او را ز آغاز ۲۱۸۶	همین نامی بود آگاه از این راز
دُر افشانیم برخاک ختایی ۲۶۶۲	بیا ما هم ز شور تازه نامی
گرت گوشی بود بشنو ز نامی ۳۴۵۷	در این عالم نباشد شادکامی
کزان جنبش چو جان سخت نامی ۴۰۵۰	شبی در تیرگی چون بخت نامی

و ابیات ۲۶۳، ۳۴۷۵، ۳۲۷۶، ۳۴۸۴، ۴۴۰۳، ۴۴۵۷، ۴۴۸۶، ۴۴۸۹، ۴۴۹۳

و آرزو دارد همگان قدر کالای او را بدانند و خریدارش باشند:

ز دست این لثیمان وارهانش ۱۶۹	مکن محتاج مشتی سفلگانش
که داند قدر گوهرهای او را ۱۷۰	خریداری بده کالای او را

در نسخه‌ی بدل‌ها نام گنج گهر و پنج‌گنج را آورده است:

پر گوهر ناب کن سراسر ۴۴۹۲	این نامه که هست گنج گوهر
گنجی است ز گوهر گرامی ۴۴۹۵	از جمله‌ی پنج‌گنج نامی
بگذار به دهر جاودانش ۴۴۹۶	پاینده بدار در جهانش

اعتقادات و باورهای گوناگون شاعر:

- اعتقاد به سرنوشت و قضا و قدر:

ستیزه نیست ممکن با ستاره ۳۸۵۴	ز حکم آسمانی نیست چاره
-------------------------------	------------------------

- اعتقاد به دشمنی فلک:

عروس مملکت کان بود یارت

- و در نایاب‌داری جهان و عیش آن:

بلی عیش جهان این است و شادیش

بہ گیتی دل منہ زہار زہار

مسخواه از دور دنمیا شادمانی

بیلی دنیای دون است ست بنیاد

مشو ایمن ز چرخ سندروسی

واييات ۴۱۷۴، ۴۱۷۵، ۴۱۷۹، ۴۱۸۱، ۴۱۸۴

- اشاره به مرگ و دل نیستن به دنیا:

غرض گر نوجوانی گر کهن پیر

از این ویرانه منزل رخت ببرند

منه دل بر سرایی کاین تو را نیست

اگر صد قرن در عالم بهمان

- نامی از فرصت‌های مختلف و حساس داستان برای بیان دردهای جامعه و اندوه خود می‌برد:

شبی آمد که کم کرد از سیاهی

شبی در تیرگی چون بخت نامی

گرفته ظلمت از مه تا به ماهی

نموده صبح خندیدن فراموش

- در بیتی به رسم شراب خواری که در قدیم برای خوشبو شدن آن به مشک می آمیختند، اشاره دارد:

شاه از دل‌خستگی و دلفگاری

- شباهت برخی ابیات نامی یا نتیجه‌ی تمثیلی مولوی در مثنوی درباره‌ی «عشق»:

بہ معشوقی کسی نبود سزاوار

گسر ذاتش نماید ره‌نمایی

ششود دل بسته‌ی خطّی و خالی

شبییه این ابیات از مثنوی مولوی، دفتر اول، داستان کنیزک و پادشاه است:

زان که عشق مردگان پاینده نیست

چون که مرده سوی ما آینده نیست

عشق آن زندہ گزین کو باقی است

کز شراب جانفزایت ساقی است

شباهت محتوایی آغازنامه‌نگاری زیبای شیرین به خسرو در مرگ مریم با دیگر منظومه‌ها و نوشته‌ها:

بِه نام مایه بخش شادی و غم غم و شادی فزا از سور و ماتم ۳۶۱۹

بـدیدآرنده‌ی انـدوه و شـادی سبب ساز مراد و نامرادی ۳۶۲۰ تا پایان بیت ۳۶۲۶

- در باره‌ای ابیات در توصفات و حتم، در کلمات ابیات نظاره‌گر حشو هستیم، در آنجا که دل

امیدوار شیرین پریشان می‌شود و کاش به خاطر یاد نکردن خسرو از وی تلخ می‌شود ابیات زیادی با یک مضمون به توصیف این حالت سروده می‌شود که برای خواننده ملال‌آور است.

- یا جایی که غم و اندوه شیرین وصف می‌شود، مضامین بارها تکرار می‌شوند.

- این حشو با تکرار زاید گاهی در واژه‌های بیت هم رخ می‌نماید:

چو حنظل کاشتی و شد برومند مدار امید آن کان بر بود قند ۳۴۶۱

نکته‌ی زیبایی که در سرتاسر داستان جلوه می‌نماید، پاسداری شیرین از حریم عفت و پاکدامنی خود است. شیرین نماد انسانی است تربیت یافته که با تحمل سختی‌های دوری و زندگی در میان خار و خار و سپس کوه‌های زمخت به خودسازی می‌پردازد و به کمال عشق می‌رسد و در تمامی بخش‌های داستان وقتی خسرو می‌خواهد به حریم وجودی او راه یابد و کامیاب جسمی گردد، پاسخ نمی‌دهد و در ورطه‌ی فساد و تباهی نفسانی و شهوانی خسرو نمی‌افتد و حتی حاضر می‌شود به خاطر نام و ننگ، خون خود را به دست خویش ریزد و اجازه نمی‌دهد که خسرو بی‌کابین از او کام بردارد و مقید به آداب و رسوم خواستگاری و کابین بستن است و سرانجام ازدواج سر می‌گیرد و در پایان داستان آن‌گاه که خسرو خودکامه و مست دنیا، به دست فرزندش کشته می‌شود، شیرین خود را با معشوق یگانه می‌بیند و به هستی خویش خاتمه می‌دهد. این تصویرگری‌های زیبا و نمادین داستان بلند را زیبا و دلکش می‌نماید.

نگردی تا به کاینم خریدار نچینی یک گلم هرگز به گلزار ۳۸۳۳

وگرنه من نه آن صید زیونم که هرکس دست آلاید به خونم ۳۸۵۵

به دانه‌ای نهان و آشکارا که گریبا من نجوید شه مدارا ۴۲۸۲

به دست خود بریزم خون خود را رهانم خاطر محزون خود را ۴۲۳۸

نه آن معشوقه‌ی بی‌نام و ننگم که بی‌کابین کسی بیند به کامم ۴۲۹۴

- در بسیاری از ابیات ساختارها و بیت‌های زیبایی در بیان درد عشق دارد:

دل من هم ز دست دیده خون است هر آن‌کس دیده می‌داند که چون است ۸۶۲

که در هرجا که عشق آتش فروزد گیاه خشک و تر با هم بسوزد ۸۹۹

ز دل تا دیده پنهان هست راهی که راه دل زند گاهی نگاهی ۱۷۸۷

- بخش مناظره شیرین با فریاد بسیار زیبا پرورانه شده است و همچنین ادامه‌ی داستان پس از آن:

به عاشق در دو شب مشکل شود کار که آن‌جا صبر دشوار است دشوار ۳۱۹۹

شبی کز یار یاری اوفتد دور در آن شب وای بر عشاق مهجور ۳۲۰۰

دگر آن شب که داند بی‌قراری که یارش را بود یاری به یاری ۳۲۰۲

سمنبر مانده بی دلدار دلتنگ به پا خار و به دل دست و به سر سنگ ۴۰۵۴

- و عشق را درد بی‌درمان می‌داند:

بلی درد محبت خصم جان است بلای آن بلای جاودان است ۱۰۶۹

مسلمانان محبت بد بلایی است گرفتاریش درد بی‌دوایی است ۱۰۷۰

- در بیتی به نام اسب مخصوص خسرو و شیرین اشاره می‌کند:

نه شیرین زیست در عالم نه پرویز نه گلگون ماند بر آخر نه شب‌دیز ۴۴۰۸

در ابیات ۳۷۱۴، ۴۰۴۰ از اسب خسرو پرویز با نام «شبرنگ» یاد می‌کند.

- شاعر در بخش‌های گوناگون داستان از فرصت‌ها بهره جسته، به نصیحت‌گری می‌پردازد که پیش‌تر ذکر آن رفت.

در پایان منظومه دل نازک نامی اصفهانی، سراینده‌ی این منظومه، به او اجازه نمی‌دهد که مرگ خسرو و شیرین را به تصویر کشیده، داستان را به پایان ببرد.

ویژگی‌های این نسخه

روش تصحیح

ما در این مجموعه نسخه‌ی ملک تهران (آستان قدس رضوی) را به دلیل قدمت، اساس قرار داده‌ایم و به دنبال آن پنج نسخه‌ی دیگر را بدل. هر جا که تشخیص داده شد واژه‌ی درست باید به کار رود، از نسخه‌ی بدل‌ها استفاده کرده، شکل درست ابیات و واژه‌ها را نگاشته‌ایم. در خوانش واژه‌ها نیز از نسخه‌ی بدل‌ها یاری جسته‌ایم.

شاید در یکی دو بیت به ناچار به دلیل ناخوانا بودن واژه‌ها و یا افتادگی واژه، واژگانی داخل قلاب بر بیت افزوده شده است. در مشهد ۶ نسخه مشاهده شد که ۳ نسخه کامل و ۳ مورد آن ناقص بود، ۵ نسخه در کتابخانه‌ی ملک تهران و ۴ نسخه در کتابخانه‌ی مجلس دیده شد.

معرفی نسخه

ردیف	شماره‌ی نسخه	تاریخ کتاب	کاتب	تعداد صفحه	نوع کاغذ	نوع خط	مرجع نسخه «کتابخانه»
۱	۵۰۱۲	محرم الحرام ۱۱۲۲ هجری	عبدالرحمان رشتی	۱۲۹	جلد مشین - پشمی ضری	نستعلیق	ملک تهران
۲	۸۷۳	دوشنبه ۲۹ ذی‌القعدة الحرام ۱۱۵۱	صفی‌العسینی	۱۸۶	جلد نقوشی	نستعلیق	مجلس شورای اسلامی هستانه
۳	۵۰۱۲-۵۲۷۲۸-۳۹۸	۱۱۵۲	-	۱۲۶	-	شکسته	کتابخانه‌ی ملی، تهران ملی ۱
۴	۵۱۵۶	۲۵ شوال‌الکرم ۱۱۹۱	ابن محمد ابراهیم	۱۷۱	-	شکسته نستعلیق	مشهد، آستان قدس رضوی
۵	۳۸۲۸	۱۵ شعبان‌المطهر ۱۱۹۷	محمدالعین‌العسینی	۱۶۰	-	شکسته نستعلیق	آیه‌الله مرعشی‌نجفی
۶	۱۰۳۱۷-۵-۱۵۲۹	ذی‌الحجه الحرام ۱۱۹۸	-	۱۲۵	-	شکسته نستعلیق	کتابخانه‌ی ملی، تهران ملی ۲

لازم به ذکر است نسخه‌های کتابخانه ملی ۱ و ۲ نام کاتب را ذکر نکرده‌اند. همچنین تاریخ کتابت نسخه‌ی مجلس «سنا» به غلط ۱۱۰۵ آمده است که ظاهراً خواننده‌ی تاریخ به دلیل چسبیدن ادامه‌ی حرف «م» الحرام به آن، صفر را متصل به حروف میم دانسته و به غلط تاریخ ۱۱۰۵ قرائت نموده است. که در اصل ۱۱۵۱ تاریخ کتابت آن است.

ویژگی‌های نسخه‌ی اساس «اولین نسخه در جدول»
اشکالات رسم الخطی و املائی فراوان:

واژه	شکل درست	بیت
خورسند	خرسند	۳۵۱
پرخواره و خار	پر خاره و خار	۵۷۷، ۶۶۰
افسان‌ها	افسانه‌ها	۶۲۹
خضری	خضرا	۶۳۴
چشم‌های	چشمه‌های	۶۴۷
خوارخواری	خارخاری	۷۱۶
برخواست	برخاست	۹۲۷
محبّا	مهیّا	۱۵۳۶
طاب	تاب	۱۵۸۳
حور	هور	۲۴۳۳
شَقَّها	شَقَّه‌ها	۲۴۳۳
صاغر	ساغر	۲۵۶۶
قضا	غذا	۲۷۰۳
نشاء	نشئه	۲۷۸۲
خواموش	خاموش	۲۹۰۴
ایاقش	ایاغش	۲۹۰۸
زنده‌گانی	زندگانی	۳۱۴۷
قَصّه	غَصّه	۳۱۹۳
خواطِر	خاطر	۳۲۰۹
صفهان	صفاهان	۳۲۱۲
بخاری	به‌خواری	۳۲۴۱
غمخوانه	غمخانه	۳۳۰۳
ثمر	سمر	۳۳۷۰
فقانت	فغانَت	۳۴۹۴
هاذِق	حاذق	۳۵۶۴
ذالی	زالی	۳۵۷۵
معذول	معزول	۳۶۳۱
فراغم	فراقم	۳۹۹۶
ذره	زره	۴۰۱۲

جاافتادگی‌ها

در بسیاری از ابیات «ی» نکره افتاده است و گاهی «ه»، «ها»، «ر» و گاهی کلمه یا مصراع افتاده است:

خسته [ی] چند ۳۵۱ مشکین [ه] ۱۴۸۵
جرعه [ای] زان آتشین آب ۳۹۳ دیده [ای] ۱۷۸۳
بدو [ر] افتاد ۶۷۷ شهنشا [ها] ۳۶۵۶
سوی [ی] ۷۸۶ ز خواب [ناز] نرگس را برانگیز ۳۱۳۴
جلوه [ی] ۸۳۰

فصل و وصل‌ها:

دست‌نشان ۵۷
به‌نام ایزد ۴۹۲
ره‌نوردان ۵۹۵
عبادت‌گاه ۶۹۵
نه‌بیند ۳۰۹۶
به‌بخشم ۳۵۷۰
نه‌بندم ۳۸۲۹
بگیتی ۱۶
برخ ۱۷
ببادش ۳۱۷
بدیدارش ۳۵۱
برسم ۵۹۵
بخواب ۷۴۲
بجان ۷۴۲
افتادن سرکش
کهر بخشنده، کهرسنج، کنج درکنج، نیلکون، کلکون و...
گذاشتن حرکات
شاپور ۶۱۷
خود ۶۱۶
گلگون ۸۰۹
نیلگون ۸۱۱
زیادی یا کمی نقطه
حکیمی چند دانایان افسرار ۳۸۲

از این کشور پسر خود گیر و بگریز ۶۱۶

ز کپس پرسد حدیث آشنایی ۶۱۸

مجال آرزو یا د هوپس نه ۳۵۰

به سوی چاره پرداز آمد از راه ۳۴۰۲؛ در اصل (خاره پرداز) است

کمی نقطه: ز اشعا به برمش راه کس نه ۳۵۰

- برخی مصراع‌ها یا واژگان مصراع‌ها در متن به غلط آمده و در حاشیه‌ی نسخه اصلاح شده است.

کاتب گاهی به منظور جابه‌جایی واژه‌ها آن‌ها را با شماره و گاهی با حروف «ح» و «م» اصلاح نموده است.

اصلاح در حاشیه:

ز سیر این جهان رخت سفر بست (در متن) ز سیر این جهان نظاره بر بست (در حاشیه) ۱۹۰

چرا مرغ دلم زاری به ناکام (در متن) چرا مرغ دل زارم به ناکام (در حاشیه) ۲۱۳۳

- و ابیات ۲۶۸۲، ۲۶۸۳ را جابه‌جا آورده است سپس با شماره اصلاح نموده است.

- در ابیات ۲۷۴۷، ۲۷۷۵ کاتب مصراع دوم را جابه‌جا نوشته سپس با شماره این جابه‌جایی را

اصلاح کرده است.

- بیت ۲۹۲۹ در مصراع اول به جای «هیچ پاداش»، «هیچ کاری» آورده و در حاشیه، درست آن را با

ذکر کلمه‌ی صحیح (ص) آورده است.

- بیت ۴۰۹۱ در مصراع دوم با علامت «ح»، «م» جابه‌جایی دو کلمه‌ی «شیرآلود» و «پرخون» صورت

گرفته است.

- بیت ۴۰۸۳ مصراع اول را اشتباه آورده شده و در حاشیه اصلاح شده است.

- در نسخه‌ی اساس تصاویر حیوانات، جانوران وحشی و اهلی، پرندگان و خزندگان، زمینی و

دریایی در حاشیه آمده است.

- در نسخه‌ی آستان قدس رضوی مشهد تصاویر زیبای مینیاتوری از خسرو و شیرین به همراه یاران

و کنیزکان آمده است.

- در نسخه‌ی اساس از صفحه‌ی ۱ تا نیمه‌های صفحه‌ی ۶۵، پایان بیت ۱۹۵۰ داستان وامق و عذرا در

حاشیه ذکر شده است.

به نظر ما بسیاری از اغلاط و جابه‌جایی‌ها به شنیده‌ها و نوشته‌های کاتب مربوط است نه سراینده.

زیرا بیشتر این مشکلات در نسخه‌های دیگر برطرف شده است.

- در پانوش‌ها نسخه‌ی مرعشی با علامت: «مر»؛ مجلس با علامت: «مج»؛ ملی ۱ و ۲ با

علامت: ملی ۱ و ۲؛ آستان قدس رضوی با علامت: «آ» نمایش داده شده است.